



ارزنگ حائمی

کنسرت خیابانی و اصلی که کمرش بیل نخورده!

بسته ارزی همتی این روزها به‌خوبی عمل می‌کند. تازه این ارزی‌اش است. صاحب‌نظران معتقدند اگر روزی بسته طولی اجرایی شود قیمت‌ها از این هم پایین‌تر می‌آید! در همین راستا، وقتی شنیدیم رئیس‌جمهور سوآلی به این شرح مطرح کرده است که «اصل ۵۹ قانون اساسی مگر کمرش بیل خورده است؟» با خودمان اندیشیدیم که اصولاً چرا باید رئیس‌جمهور فکر کند که یک اصل به کمرش بیل خورده باشد. اصلاً چرا باید نگران بیل‌خوردگی باشیم؟ خدا را شکر، بعد از بالا رفتن قیمت دلار، این روزها همه بیل‌هایمان چینی شده‌اند و اگر به کمر کسی هم بیل بخورد، آن‌قدرها در عملکردش خللی ایجاد نمی‌شود و یحتمل به همین دلیل است که این روزها بیل‌خورده و بیل‌نخورده، همه مسئولان در حال خدمت‌رسانی هستند و در هیچ‌جایی هیچ مشکلی نداریم. فقط شاید یک‌کم دارو نداشته باشیم که گفته وزیر بهداشت را روی چشممان می‌گذاریم و صبر می‌کنیم. امیدواریم سنگ کلیه‌مان هم صبر کند و کار به جایی نرسد که با زدن بیل به کمرمان قصد دفعش را داشته باشیم.

در همین راستا و برای آنکه نشان دهیم این اصل کمرش بیل نخورده است، می‌توانیم موضوعاتی همچون برگزاری کنسرت خیابانی را به عنوان سؤال مطرح کنیم. بالاخره شاید جوانان بتوانند با نداشتن شغل، با گرفتن پول توجیبی از پدرشان و ازدواج نکردن، با خودخویشنداری کنار بیایند، اما عمراً بتوانند با برگزار نکردن کنسرت خیابانی کنار بیایند. اصولاً برگزاری کنسرت خیابانی فواید بسیار زیادی دارد که تأثیرش می‌تواند از کاهش قیمت دلار و سکه و حتی اشتغال‌زایی هم بیشتر باشد و باعث بالا رفتن سطح رفاه و کاهش تنش در خانواده‌ها شود. بر اساس نظریه کارشناسان، بسیاری از اعصاب‌خوردگی‌های جوانان کشورمان به علت مشاهده فوتبال‌هایی است که خیابانی آن‌ها را گزارش می‌کند و با برگزاری کنسرت خیابانی، عمر ایشان دیگر فرصت کند بیاید و فوتبالی را گزارش کند. به این شکل، جوانان با خیال راحت و بدون ترس از افسردگی‌های بعد از دیدن فوتبال، می‌توانند در منزل پای فوتبال‌های پخش مستقیم شبکه ۳ و شبکه ورزش بنشینند و حالش را ببرند. تنها مسئله باقی‌مانده انتخاب ترانه برای جوادآقای خیابانی است. وی می‌تواند همان گزارش‌های فوتبالی را کمی تندخوانی کند و بگوید این رپ است. این تازه اول راه است و در ماه‌های بعد، به فکر کنسرت مزدک میرزایی و چه بسا علی‌فر هم باشیم. حتی با توجه به نوآوری‌های حمید هیراد در کنسرت‌هایش، شاید روزی شاهد کنسرت محسن چاووشی هم باشیم.

بالاخره سی‌دی گذاشتن و لب زدن که انرژی زیادی از انسان نمی‌گیرد. حتی شاید روزی شاهد کنسرت احمدی‌نژاد هم باشیم و آن بالا و در ابتدای هر کنسرتش بگوید: «از ساعت چند اومدین اینجا؟ هشت؟ هفت؟ شش؟» چه بسا روزی همین آقای همتی که این روزها بسته ارزی‌اش در حال ترکاندن است و گویا خیلی هم اهل دل است و در گفت‌وگوی خبری شبکه ۲ صحبت‌هایش را خلاصه کرده است و تقاضای ترانه کرده‌اند تا مردم صفا کنند، بیاید و برای مردم هنرنمایی غیرارزی کنند.



**عارف: اجازه بدید
در این مورد هم
سکوت کنم.**

**ربیعی: من فقط توپ
رو زدم، کارت قرمز
نامردی بود.**

طرح:
حسین
صافی

بازی پربر خورده دولت و مجلس دو کارت زرد
برای وزیر اقتصاد و یک کارت قرمز برای
وزیر کار در پی داشت

تقاضای ویدیو چک از طرف دولت!

**یک نماینده مجلس: چون بدنه
کارت‌های زرد و قرمز از خارج وارد
می‌شود، این آخرین کارتی بود که
به وزیران دادیم.**

**همسر وزیر اقتصاد: از ربیعی
یاد بگیر. تو که یک کارت زرد
داستی یه قرمزش رو می‌گرفتی.**

**کیهان: کارت قرمز کرباسیان را زرد
کردند و جای قناری به ما فروختند.
داور را چند خریدند!!**

**رونالدو: اگر کرباسیان کارت زرد
گرفته‌است، من در بازی با ایران
باید تشویق می‌شدم!**

سنگ اول

- عرضم به حضورتون آقای کرباسیان...
- بذار تو بانک. به من می‌دی چرا؟
- چیو؟
- ارز.
- نه! اون عرض. عرض و طول که می‌گی!
- آخه همین‌جوری هم کارت زرد گرفته‌ام.
- واسه چی؟
- حسین کعبی بدکاری می‌کرد با کف پا می‌رفت تو صورت فیگو؟ داشت از دروازه تیمش حمایت می‌کرد. حالا من هم خواستم مثل کعبی باشم، کارت زرد دادند.
- اونا که ارز گرفتن کیا بودن!!
- کاری نداشته باش کی بوده! دنبالش باش برگرده!
- چون ارز گرفتن، ولی واردات نداشتن!
- وای! چه خوب! چقدر دلسوز. چقدر به‌فکر. چقدر

- ملوس!
- عزیزم! تا حالا هیشکی بهم نگفته بود «ملوس» شما رو نگفتم دکتر. اونا رو گفتیم که ارز گرفتن، چیزی وارد نکردن. این‌همه سال هی گفتیم باید جلوی واردات رو بگیریم، به فکر صادرات باشیم. اینا بهترین کار رو کردن. دیدن اگه این ارز دست دولت باشه، من‌رن سریع واردات می‌کنن. گفتن ارز رو از دستشون بگیریم که خرجش نکنن!
- شما خبرنگار اقتصادی هستی؟
- الان دیگه همه‌چی می‌زنیم. اون‌قدر پول نداریم واسه هر حوزه یه خبرنگار داشته باشیم.
- آخی! درک می‌کنم.
- دکتر! نظام جامع مالیاتی چی شد؟ قرار بود یه جوری باشه که فشار به ضعیف‌ترهای جامعه نیاد.
- ببین پسر من این روی کاغذ خیلی قشنگه، ولی در

- عمل نمی‌شه که. از قدیم گفتند «از نخورده بگیر، بده به خورده»! سعدی هم توی گلستان همینو می‌گه.
- یعنی نظام اقتصادی ما بر اساس گلستان سعدی تنظیم شده؟!
- باور کن گرسنه‌ها خیلی بامرام‌ترن. تو خونه خود ما همین داداشم، غذاش کم می‌شد، قشقرق می‌کرد. مامانم می‌گفت: «من این بچه رو سیر کنم، انگار همه رو سیر کردم» پول‌دارها سیر باشن، انگار همه سیرن. بی‌پول‌ها صبورن، زیر پای آدم رو نمی‌کشن! اما قوی‌ترها... واه و واه و واه!
- قیمت‌ها هم که هر روز می‌ره بالاتر.
- توی چند روز آینده قراره وزارت اقتصاد و امور دارایی با دوسه جادیه‌ادغام‌بشه، مشکل حل می‌شه.
- نه تو رو خدا. همین‌جوری هم اسم وزارت اقتصاد

- و امور دارایی طولانیه. چه خبره؟!
- با آقای حداد عادل هماهنگی شده که یه معادل جمع‌وجور براش بسازه. این کار بشه، مشکلات اقتصادی حل می‌شه.
- پس الان کلید حل مشکلات کشور دست آقاحداد و فرهنگستان زبان پارسیه؟!
- بله. می‌شه وزارت اقتصاد و امور دارایی و بهداشت روان و تفریحات سالم! یه بخش از گرانی شوک روانیه. بخش بهداشت روان ما کارشون اینه که هی بیان توی تلویزیون به مردم اطمینان بدن که دیگه چیزی گرون نمی‌شه! ما کاری نداریم گرون می‌شه دوباره، ما کارمون اینه که اطمینان رو بدیم!
- یه بخش از گرانی‌ها هم دلیلش اینه که بعضی‌ها سرگرمی ندارن، واسه تفریح هی اقتصادبازی می‌کنن، حباب درست می‌شه. اینا سرشون گرم شه،

- باید با دممون گردو بشکنیم.
- چرا اقتصاد رو مردمی نمی‌کنین آخه؟!
- الان هم مردمیه دیگه عزیزم. پس بار گرانی‌ها رو دوش کیه؟! مردم. ما همیشه اقتصاد مردمی دوست داشتیم، دوست داریم، دوست خواهیم داشت.
- ثروت عمومی نباید زیاد بشه؟!
- آخ آخ آخ! اگه بدونی ثروت چه جور خواب راحت رو از آدم می‌گیره. همین الان یک‌درصد ثروتمند داریم، بهو جاخالی می‌دن. اگه همه ثروتمند بشن که می‌ما باید مزاحم آقای حدادعادل بشیم که اسم اضافه کنیم. به قول شاعر: آن‌کس از دزد بترسد که متاعی دارد/ ما که زندیم و گنا دیر مغان ما را بس!
- این دو مصرع یکی از سعدی بود، یکی از حافظ که!
- گفتم که داریم ادغام می‌کنیم.



محمدعلی
مؤمنی